

سخنرانی ویدئویی پیرامون یک چالش اجتماعی در ایران؛

نسل سوم و فقدان «تصویر هوایی»

اهمیت حافظه تاریخی برای یک ملت می‌تواند در برهه‌های خاصی یک جامعه را از تنگناهای تاریخی عبور دهد. حافظه جمعی (Collective Memory) که گاه آن را حافظه تاریخی (Historical Memory) نیز خوانده می‌شود...

«صفحه ۲»

دانشی مستقل

بایز ۱۳۹۷ شماره پنجم

بازخوانی یک رویداد تاریخی و اهمیت مطالعه آن در گفتگویی با «جواد موگویی»



دچار انقطاع تاریخی برای نسل ۸۰ و ۹۰ هستیم

«صفحه ۱»

زیر و بوم یک نسل متفاوت

بسیاری معتقد هستند در چهارمین دهه از عمر انقلاب اسلامی ایران نسل اول مسئولین برای اداره کشور دچار فرسودگی و ناکارآمدی شده‌اند و نسخه استفاده از نسل سومی ها را می‌دهند



جایگاه نسل سومی‌ها در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب

«صفحه ۲»

دغدغه‌های نسل سومی چیست؟

«صفحه ۳»

برشی از یک پژوهش دانشگاهی؛ شکاف نسل‌ها

«صفحه ۶»

+ اینفوگرافیک جریان‌شناسی نسل سومی

«صفحه ۵»



این کدام فلسفه است، با کدام انقلاب تطبیق شده و در کجا تجربه شده که نسل‌های سوم انقلاب، از انقلاب برمیگردند؟ نخیر، این بسته به این است که ایده آن انقلاب چه باشد. اگر ایده‌های یک انقلاب بتواند نسل دوم و سوم و دهم را به خاطر اصالت و صحت خود قانع کند، آن انقلاب عمر ابدی خواهد داشت. ایده‌های انقلاب اسلامی، ایده‌هایی هستند که عمر ابد دارند. عدالتخواهی هیچ وقت کهنه نمی‌شود



جایگاه نسل سومی‌ها در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب

نشان بدهد. بنده در مقابل عرض میکنم همه‌ی این مشکلات، به توفیق الهی و به هدایت الهی، به دست جوانهای ما قابل حل است. دشمن از بالندگی نسل جوان ما بدت نگران و عصبانی است. اینکه شما دیدید دشمنها -آمریکایی‌ها و غربی‌ها- این قدر با ساتنر فیوژهای ما مخالفت کردند، فقط به خاطر این نبود که این ساتنر فیوژها اورانیوم را غنی میکنند، بلکه بیشتر از آن به خاطر این بود که این حرکت علمی، ذهن جوانان ما را غنی میکند، آنها را آماده میکند برای کارهای بزرگتر؛ بیشتر از این جهت که توانایی جمهوری اسلامی را در بالنده ساختن نسل جوان کشور نشان می‌دهد. من به شما عرض بکنم جوانهای عزیز ما این کشور را خواهند ساخت، بهتر از آن چیزی که در ذهن نسل قبلی -که نسل ما است- وجود داشته است؛ ان شاء الله بهتر خواهند ساخت و خواهند توانست پرچم استقلال و عظمت و شرافت این کشور را از آنچه تا امروز بوده است، بلندتر کنند.

۶- بیانات ۱۴/۱۱/۱۳۹۰:

یکی دیگر از نقاط قوت ما در این مدت، انتقال ارزشهای انقلاب به نسل دوم و سوم بود. امروز شما جوانها را نگاه میکنید، میبینید این ارزشها را دریافت کرده‌اند. همین شهید عزیز اخیر ما، مصطفی احمدی روشن - شهیدی که شهادتش دل ما را سوزاند - یا آن شهید جوان قبلی، شهید رضائینژاد، که اوائل امسال به شهادت رسید، اینها دو تا جوان، دانشمند، سی و دو سه ساله بودند؛ امام را درک نکردند، جنگ را درک نکردند، دوران انقلاب را درک نکردند، اما اینجور با شجاعت، با شهامت درس میخوانند، تحصیلات می‌کنند، مقامات عالی را تهدیدند، اما میروند؛ این خیلی مهم است، این ارزش است؛ این ارزشهای انقلاب است در نسل سوم. احمدی روشن و رضائینژاد و امثال اینها نسل سوم انقلابند. همین حرکت عظیم این جوانها که بعد از شهادت احمدی روشن اعلام کردند ما حاضریم بیاییم کار کنیم، خیلی مهم است؛ اینها را نباید دست کم گرفت. یکی از نقاط قوت و مثبت ما همین است که این ارزشها به نسل‌های دوم و سوم منتقل شد. البته ریزش داشته‌ایم، توبه‌کار از انقلاب و پشتیبان از انقلاب داشته‌ایم، ما رویشهای ما بیشتر از ریزشهای ما بوده است. نیروهای فرسوده ریزش پیدا کردند، اما نیروهای جوان و باطراوت بالا آمدند و رویش پیدا کردند.

سوم - در آمادگی خود و شجاعت خود و غیرت خود برای دفاع از هویت دینی و انقلابی خود، از جوان نسل اول - که در دوره‌ی جنگ تحمیلی و دفاع مقدس حضور داشت - هیچ کمتر نیست، شاید هم جلوتر است.

۴- بیانات: ۱۲/۰۲/۱۳۸۰:

کسانی این‌طور وانمود می‌کنند نسلی که روی کار می‌آید - که اصطلاحاً به آن «نسل سوم انقلاب» می‌گویند - پشتکرده به انقلاب و رویگردان از ارزشهای دینی است؛ یا اگر هم نیست، به طور اجتناب‌ناپذیری این‌گونه خواهد شد! بنده صددرصد حرف آنها را رد میکنم. نه این‌که من عوامل فسادبرانگیز فرهنگی را نمی‌بینم یا نمی‌شناسم یا از آنها خبر ندارم؛ نخیر، بنده از ماهواره و اینترنت و رمانها و فیلمها و آهنگها و حرفهای فاسد کاملاً خبر دارم و آنها را دست کم نمی‌گیرم. من عمرم را در میان جوانان گذرانده‌ام. از دورانی که خودم جوان بودم، با جوانان دانشگاهی که خارج از محیط ما بودند، ارتباط برقرار کردم؛ تا امروز هم ارتباط من با جوانان قطع نشده است. بنابراین میدانم حال و هوای جوانی چیست و امروز در فضای جوانی ما چه می‌گذرد؛ اما معتقدم نسل کنونی امروز این قدر هم آسیب‌پذیر و شکننده نیست؛ این را بد فهمیده‌اند. این نسل در محیطی بار آمده که از محیط سی سال و سی و پنج سال قبل به مراتب پاکیزه‌تر و بهتر است. کسانی که در این محیط متولد شده‌اند، به برکت هدایت دینی توانستند آن کار عظیم را انجام دهند و آن ایمانهای پولادین و استوار را عرضه کنند. من معتقدم که این نسل نسبت به آن نسل، در محیط بهتری پرورش یافته و آمادگیها و آگاهیهای به مراتب بهتر و بالاتری دارد. بنده وقتی حدود بیست سالم بود، هرگز آگاهیهایی که امروز شما جوان بیست ساله دارید، نداشتم. امروز جوان ایرانی، آگاه و با معرفت و بصیر و سیاسی و اهل تحلیل است و از همه بالاتر با ایمان است.

۵- بیانات ۰۱/۰۱/۱۳۹۷:

دشمن امیدوار بود -این نکته مهم است- که نسل سوم انقلاب و نسل چهارم انقلاب از انقلاب روگردان بشوند، اولی امروز گرایش و پایبندی نسل سوم و چهارم انقلاب به انقلاب و علاقه‌مندی عمیق و پخته‌ی آنها به انقلاب، از نسل اول اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. دشمن سعی میکند مشکلات را بزرگ‌نمایی کند و بمراتب بزرگ‌تر و بیشتر از آن مقداری که هست

رسید، چنان ماهیت این انقلاب دگرگون شده بود که کسی مثل ناپلئون توانست بیاید و تاج پادشاهی را روی سرش بگذارد! یعنی کشوری که علیه سلطنت مبارزه کرده بود و لویی شانزدهم را زیر گیوتین گذاشته بود، بعد از ده، دوازده سال وضعیتش به گونه‌ای شد که ناپلئون بناپارت آمد و تاج شاهی را بر سرش گذاشت و خودش را امپراتور نامید و سالها هم در آن کشور حکومت کرد؛ بعد هم تا نزدیک به هشتاد، نود سال رژیمهای سلطنتی - البته سلطنتهای گوناگون و سلسله‌های مختلف - در فرانسه پابرجا بود، که دائماً در حال جنگ و ابتذال و فساد بودند! آن انقلاب به نسل سوم که هیچ، به نسل دوم هم نرسید؛ چون پایه‌های انقلاب، پایه‌های سستی بود.

۳- بیانات ۰۹/۱۲/۱۳۷۹:

این کدام فلسفه است، با کدام انقلاب تطبیق شده و در کجا تجربه شده که نسل‌های سوم انقلاب، از انقلاب برمیگردند؟ نخیر، این بسته به این است که ایده آن انقلاب چه باشد. اگر ایده‌های یک انقلاب بتواند نسل دوم و سوم و دهم را به خاطر اصالت و صحت خود قانع کند، آن انقلاب عمر ابدی خواهد داشت. ایده‌های انقلاب اسلامی، ایده‌هایی هستند که عمر ابد دارند. عدالتخواهی هیچ وقت کهنه نمی‌شود؛ آزادیخواهی و استقلالخواهی هیچ وقت کهنه نمی‌شود؛ مبارزه با دخالت بیگانگان هیچ وقت کهنه نمی‌شود. اینها ایده‌هایی است که همیشه برای نسلها جاذبه دارد. تئورسیستهایشان نشستند بافتند، ساده‌لوحان هم در این جا باور کردند؛ گفتند نسل سوم انقلاب ایده‌ها را پس می‌زند و چون جاذبه‌ی انقلاب کم می‌شود، ما میتوانیم برویم انقلاب را از دست انقلابیون خارج کنیم و به دست خودمان بگیریم «خودمان» یعنی چه کسانی؟ یعنی کسانی که قبل از انقلاب، سالها بر این کشور مسلط بودند؛ من میگویم این فکر، بسیار ساده‌لوحانه و ابلهانه است. مطمئن باشند همان شور و هیجان و ایمان و عواطفی که در نسل جوان آن روز وجود داشت و توانست آن کار را بکند، در این نسل جوان هم موجود است. بدانند هر سنگی به سمت انقلاب پرتاب کنند، کمانه می‌کند و به سر و روی خودشان برمیگردد. انقلاب کهنه نمی‌شود و آتش انقلاب آن‌گاه که با انبار پنبه پوسیده آنها درگیر شود، باز هم تازه خواهد بود و خواهد سوزاند. من گفتم، تأکید میکنم بر این معنا و با یقین این را عرض میکنم که: جوان امروز - جوان نسل

یکی از نکاتی که در فهم عمیق و تحلیل صحیح از انقلاب اسلامی، حائز اهمیت است، میزان همراهی نسل‌های متممادی با اصول، اهداف و آرمان‌های آن است. انقلابی که نه اهداف معطوف به زمان و مکان خاص، که داعیه‌ای فرازمانی و فراجغرافیایی داشت. در تحلیل نسبت نسل‌ها با پیشرفت انقلاب اسلامی معمولاً به سه نسل اشاره می‌گردد. نسل اول، نسلی که نهضت را آغاز کرد، فراگیر کرد و آن را به پیروزی رساند. نسل دوم، نسلی که نقشی اساسی در حفظ و تثبیت انقلاب اسلامی ایفا کرد و نسل سومی که اکنون میراث‌دار این انقلاب ریشه‌دار، اما یویاست. رهبر انقلاب طی سالیان گذشته در اهمیت حضور نسل سومی‌ها بیانات قابل تأملی را ابراد کرده‌اند:

۱- بیانات ۲۵/۰۷/۱۳۸۵:

اولاً یک نظام مثل یک بنا، مرده نیست؛ مثل یک موجود انسانی است؛ کمبودهایی پیدا میکند و میتواند این کمبودها را جبران کند؛ اگر غفلت کند، جبران نخواهد شد؛ اگر دقت کند و تلاش و سعی کند، زودتر و بهتر جبران خواهد شد؛ یعنی مثل یک موجود پویا و پیش‌رونده. یک نظام انسانی، این چنین است. بنابراین ما داریم با چالش پیش می‌رویم. و البته قضاوت من این است که ما به طور محسوسی هم در همان جهت اهداف و آرمانهای اسلامی این نظام پیش رفته‌ایم. یکی از دلالت‌های این است که امروز نسل سوم و چهارم انقلاب، با آرمانهای اسلامی آشنا و به آن علاقه‌مند است و گرایشش به مظاهر اسلامی زیاد است، و این آمادگی را دارد که اگر تجربه‌ای در کشور به وجود بیاید که کارهای دشوار را از این نسل بخواهد، آنها را انجام بدهد؛ مثل دوره‌ی جنگ تحمیلی. یعنی این‌طور نباشد که بعضی وضع کنونی ما را با دوران جنگ تحمیلی مقایسه کنند؛ دوران جنگ تحمیلی، یک آزمایش و کوره‌ی عملی بود؛ اگر در هر کشوری آن چنان وضع و آزمایشی به وجود آید، جانهای تشنه و آماده‌ی به کار می‌آیند و استعدادها به فعلیت میرسند. امروز آن شرایط وجود ندارد؛ اما اگر به وجود آید، همان وضعیت پیش خواهد آمد؛ آن چیزی که من دارم مشاهده میکنم، این است.

۲- بیانات ۰۹/۱۲/۱۳۷۹:

یکی از حرفهایی که امروز محور جنگ روانی دشمن است - که لازم است آن را بگویم - این است که میگویند نسل سوم انقلاب از ایده‌های انقلاب جدا شده است! بعد به دنبال یک فلسفه هم میگذارند - مثل همه فلسفه‌های قلابی و دروغین و جعلی که فقط برای توجیه یک حرف دروغ و غلط درست می‌کنند - تا کسی جرأت نکند بگوید این حرف غلط است. میگویند این حرف متکی به یک فلسفه است! آن فلسفه چیست؟ آن فلسفه این است که همواره در همه‌ی انقلابها، نسل سوم از آن انقلاب رو برگردانده‌اند! حرف دروغ، حرف غلط، حرف چرند! کدام انقلابها را میگویند؟ در سال ۱۷۸۹ در فرانسه انقلاب شده؛ اما نه نسل سوم، نه نسل دوم، بلکه همان نسل اول از انقلاب برگشتند! بعد از چهار، پنج سال، یک حرکت علیه انقلابیون اول به وجود آوردند و سه، چهار سال قدرت را قبضه کردند؛ باز بعد از چهار، پنج سال علیه آنها فعالیت شد. به سال ۱۸۰۲ که



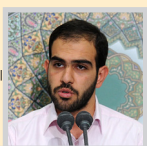
در عرصه فرهنگ شبکه فرهنگی ضدانقلاب زیرزمینی جولان می‌دهد اما وقتی که نیروی جوان مؤمن و انقلابی می‌خواهد جهاد فرهنگی کند، امکانات جهاد را هم از او می‌گیرند. ارشاد و اوقاف و سازمان تبلیغات و صداوسیما و متأسفانه برخی نهادهای مدعی انقلابی گری حداقلی‌ترین امکانات را در اختیار نیروی جوان انقلابی قرار می‌دهند. حال این امکانات در اختیار چه کسانی است؟ به عنوان مثال قدیمی‌ترین مجموعه مطبوعاتی کشور با عظیم‌ترین منابع مالی سال‌هاست که در انحصار جریان‌ی قرار دارد.



دغدغه‌های نسل سوم چیست؟

دیدار دانشجویان با رهبر معظم انقلاب یکی از دیدارهایی است که حرف‌هایی از جنس نسل سوم در آن بدون پرده و رودر زده می‌شود. در دیدار سال‌های گذشته نمایندگان تشکلهای اظهارات قابل تأملی پیرامون نقش محوری نسل سومی ها در انقلاب اسلامی داشته‌اند که در ادامه به مهمترین آن اشاره شده است:

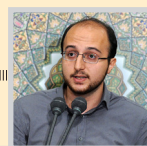
شورای عالی انقلاب فرهنگی نیاز به یک جوانگرایی دارد



اسماعیل کوهی‌مقدم در خصوص بعد مشارکت نظرات و مطالبات مردم، باید از ظرفیت‌های نظارتی مردم استفاده شود. به نظر میرسد سطح ارتباط مسئولین با نخبگان علمی و تشکلهای مرتبط مطلوب نیست. شما تأکید فراوانی به حفظ امید در جامعه دارید، اما این امیدواری الزاماتی دارد و یکی از این الزامات جوان‌گرایی و شنیدن نظرات آن‌ها است. به عنوان یک پیشنهاد، در سال حمایت از کالای ایرانی، یکی از دیدارهای خودتان را به کارآفرینان جوان اختصاص دهید. طبق بررسی‌هایی صورت پذیرفته که کتبا خدمت حضرت عالی ارائه می‌گردد شورای عالی انقلاب فرهنگی نیاز به یک انقلاب فرهنگی هم از طریق جوانگرایی در نفرت هم از طریق جابک سازی ساختارها در درون خود دارد.

دفتر تحکیم وحدت | سال ۱۳۹۷

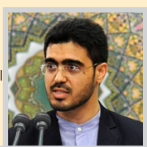
تغییر معماری موجود، یگانه راه شکل‌گیری پیوستار منسجم فرماندهی است



سیدمحمدعلی واردی سال گذشته در ترسیم موانع پیش روی انقلاب، به برخی اختلالات و ایرادات ساختاری در دستگاه‌های مرکزی کشور اشاره کردیم که فرمان «آتش به اختیار» حضرت عالی را به دنبال داشت. اما، به نظر می‌رسد که باید نیم‌نگاهی هم به رفع اختلال از دستگاه مرکزی و فرماندهی داشته باشیم. از این روی، معتقدیم تغییر معماری موجود و رعایت قواعد صحیح تغییر نسل، یگانه راه شکل‌گیری پیوستار منسجم فرماندهی است. حال در آستانه ورود به پنجمین دهه انقلاب اسلامی، معتقدیم مردم‌سالاری نظام باید در قالب تحول در الگوهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن تحقق پیدا کند و این تغییر می‌بایست از طریق تغییر نسل صورت پذیرد؛ تحولی که اگر تا دیروز یک انتخاب، پیش رو مدیران ارشد نظام بود، امروز یک واقعیت گریزناپذیر است که لاجرم اتفاق خواهد افتاد.

بسیج دانشجویی | سال ۱۳۹۷

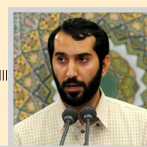
شبکه فرهنگی ضدانقلاب زیرزمینی امکانات جهاد را از جوان انقلابی می‌گیرند



علیرضا احمدی در عرصه فرهنگ شبکه فرهنگی ضدانقلاب زیرزمینی جولان می‌دهد اما وقتی که نیروی جوان مؤمن و انقلابی می‌خواهد جهاد فرهنگی کند، امکانات جهاد را هم از او می‌گیرند. ارشاد و اوقاف و سازمان تبلیغات و صداوسیما و متأسفانه برخی نهادهای مدعی انقلابی گری حداقلی‌ترین امکانات را در اختیار نیروی جوان انقلابی قرار می‌دهند. حال این امکانات در اختیار چه کسانی است؟ به عنوان مثال قدیمی‌ترین مجموعه مطبوعاتی کشور با عظیم‌ترین منابع مالی سال‌هاست که در انحصار جریان‌ی قرار دارد که به روشنی در مقابل مرزبندی‌ها و چهارچوب‌های انقلابی عمل می‌کند؛ مسئول این مجموعه که عنوان نمایندگی حضرت عالی را دارد، اخیراً پس از تأکید شما بر خط قرمز فتنه، پیشانی فتنه را می‌بوسد. ظلم نیست بودجه فرهنگی جمهوری اسلامی، هزینه روشنفکران ضدانقلاب نامردی شود که همواره علیه مردم بوده‌اند؟

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل | سال ۱۳۹۵

بسیاری از دانشجویان و به شوق خدمت خالصانه به هم‌وطنانشان، جذب گروه‌های جهادی می‌شوند



محمد آهنگران خوشبختانه امروز بسیاری از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف در سراسر کشور به شوق خدمت خالصانه به هم‌وطنانشان، جذب گروه‌های جهادی در اقصی نقاط کشور می‌شوند و ما باور داریم که با استفاده از این نیروی جوان و سرشار از انگیزه انقلابی، می‌توان به اهدافی دست یافت که سالیان سال چشم انتظار تحقق آن‌ها بوده‌ایم. در سالهای نخست پیروزی انقلاب اتکا به نیروی جوانان انقلابی با روحیه جهادی موجب ارائه خدمات بی‌سابقه‌ای به روستاها شد، امروز نیز تنها مکملی که باید به نیروی عظیم جهادگران افزوده شود، باور توان آن‌ها و بسترسازی برای فعالیت‌هایشان است.

گروه‌های جهادی دانشجویی | سال ۱۳۹۵

یکی از خطرات نظام، شکاف بین دغدغه‌های نخبگان با مسائل مردم است



ابوالفضل مظاهری در کنار همه موارد بالا، یکی از خطرات امروز نظام، شکاف بین دغدغه‌های نخبگان و مسئولین با مسائل عینی زندگی مردم است، لذا معتقدیم اگر جوان مؤمن انقلابی غلیمدار مطالبات مردم باشد، سرمایه‌ی مردمی نظام نیز حفظ خواهد شد؛ با همین تحلیل در سال گذشته تلاش کردیم تا در کنار مسائلی نظیر نفوذ و اقتصاد مقاومتی، که در بالا ذکر شد، مسائل عینی و مشکلات اجتماعی مردم نیز در اولویت‌های جنبش عدالت‌خواه دانشجویی قرار گیرد. اگر خبر آمد که عده‌ای به کارتن‌خواب‌ها حمله کرده‌اند و تا ساعت ۲ نیمه‌شب در باران به سرکشی کارتن‌خواب‌ها رفتیم، اگر پیگیری معضلات و مشکلات متقاضیان مسکن مهری شدیم که عمری را در آرزوی خانه‌دار شدن هستند، اگر پیگیری مطالبات کامیون‌دارانی که از فساد در شبکه‌ی حمل‌ونقل کشور به‌سوء آمده و با آنان برخورد شده بود، شدیم اگر مسئله‌ی محیط‌زیست و تدوین نظامی جهت جلوگیری از تخریب باغات را پیگیری کردیم.

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل | سال ۱۳۹۶

اسلامی انقلابیون جوان مصمم‌تر از قبل به استمرار انقلاب می‌اندیشند



محمدآمین سلیمی بعد از گذشت ۳۸ سال از عمر بابرکت انقلاب اسلامی انقلابیون جوان مصمم‌تر از قبل به استمرار انقلاب می‌اندیشند و حفظ روحیه انقلابی را اصلی‌ترین وظیفه خود می‌دانند. با این وجود بعد از آزمون و خطای فراوان و تجربه عرصه‌های متفاوت سیاسی-اجتماعی فرزندان انقلابی شما به دو مانع اصلی جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی برخورد کرده‌اند. مانع اول دشمنان ۳۸ ساله انقلاب هستند که مدت‌هاست استراتژی تغییر ماهیت نظام و استحاله آن از درون را دنبال می‌کنند. مانع دوم جریان‌های غیر انقلابی حاضر در مراکز تصمیم‌سازی و مدیریتی نظام هستند که گاه با نفاق و التقاط خود، گاه از سر غفلت و بی‌بصیرتی، گاه به جهت مبانی فکری غلط و گاه تحت تأثیر عوامل نفوذی در پازل ترسیم شده از سوی دشمن بازی می‌کنند.

بسیج دانشجویی | سال ۱۳۹۶



نسل سوم، همه نیازهای نسل‌های قبلی، از نیازهای پایه‌ای سطح اول تا نیازهای عالی انسانی را داراست؛ ولی اگر این نیازها را اولویت‌بندی کنیم، مهم‌ترین آن‌ها این است که یک جوان، نیاز دارد تا به رسمیت شناخته شود و او را باور کنیم. نیاز دارد که شنیده شود و در عصر کنونی که عصر تکنولوژی و سرعت است، به مسائل فکری، عاطفی روانی و شخصیتی وی توجه بیشتری شود. جوان به اقتضای خصلت غریزی و طبع جوانی، در طلب آگاهی، نشاط و آزادی و زیبایی است. در قرآن کریم، متجاوز از ششصد بار به علم و آگاهی توصیه شده است.

جریان شناسی نسل سوم

تفاوت نسل‌ها

از دیدگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، بین بینش‌ها، منش‌ها و خواسته‌های دو نسل، تفاوت وجود دارد؛ به صورت طبیعی، هیچ نسلی آینه تمام‌نمای آرمان‌های نسل قبل، به ویژه انعکاس دهنده خصلت‌ها و منش‌های آن‌ها نیست. هر نسلی شرایط و خصوصیات روانی اجتماعی خاص خود را دارد که قطعاً جنبه‌های مثبت و منفی را در بر می‌گیرد. تحول اقتضا دارد که نسل جدید در منش، خصلت و بینش، تابلوی نسل قبل نباشد؛ به خصوص با توجه به اینکه سرعت تحولات در تمامی عرصه‌های زندگی بشری، شتاب فزاینده و رو به تزایدی یافته است؛ از این رو تفاوت نسل‌ها بیشتر از گذشته، احساس می‌شود و حالت مخاطره‌آمیز این وضعیت، شکاف و گسست نسلی است که به معنای دور شدن تدریجی دویا سه نسل پی‌پی‌ای از یکدیگر، از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری، و ارزشی است و وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند که اصطلاحاً گسست نسل‌ها نامیده می‌شود. در این وضعیت، غالباً نوجوانان و جوانان می‌کوشند، تا آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و اغلب در این راه، به گردن‌کشی و طغیانگری می‌پردازند. بر روی یک لوح سنگی که از تمدن‌های قدیم به دست آمده، نوشته شده است که نسل جوان مانسلی نظام گسیخته است، نظام گسیخته عمل می‌کند و این مسئله ممکن است که تمدن ما را بر باد دهد.

پرویز امینی / حمیدرضا مظاهری سیف

محقق

دهه چهارم از شده است که قوا و قدرت را در اختیار

اسلامی را در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی دهه و خطرات پیش روی انقلاب اسلامی می‌باشد که این روزها تبدیل شده است. انقلابی با مختصات عقیدتی و ایدئولوژیک خود قویا نیازمند کادر کارآمد و باورمند به ارزشهای اصیل انقلاب است که امکان پذیر نخواهد بود. در ادامه تعریف ساده

تعریف نسل: اختلافات فردی و گروهی اجتماعی اهمیت دارد. منظور از واژه نسل معمولاً سی سال گرفته می‌شود؛ یعنی

نیازهای نسل سوم، نیازهای فرهنگی

نسل سوم، همه نیازهای نسل‌های قبلی، از نیازهای پایه‌ای سطح اول تا نیازهای عالی انسانی را داراست؛ ولی اگر این نیازها را اولویت‌بندی کنیم، مهم‌ترین آن‌ها این است که یک جوان، نیاز دارد تا به رسمیت شناخته شود و او را باور کنیم. نیاز دارد که شنیده شود و در عصر کنونی که عصر تکنولوژی و سرعت است، به مسائل فکری، عاطفی روانی و شخصیتی وی توجه بیشتری شود. جوان به اقتضای خصلت غریزی و طبع جوانی، در طلب آگاهی، نشاط و آزادی و زیبایی است. در قرآن کریم، متجاوز از ششصد بار به علم و آگاهی توصیه شده است؛ اما در بیان راه و هدف از تحصیل علم هیچ محدودیتی جز خیر و صلاح انسان‌ها در این جهان و سعادت ابدی در آن جهان وجود ندارد؛ از این رو آگاهی و شناخت صحیح پیرامون تمامی موضوعات، از مسائل دینی گرفته تا مسائل مربوط به جامعه، حق و نیاز نسل سوم است و (باید با اطلاع‌رسانی به جا، درست، صادقانه و مهربانانه، نسل سوم انقلاب را از حوادث پیش از انقلاب و جریان‌های پس از آن آگاه کرد. منظور از آزادی، رهایی از قید و بندهای اخلاقی نیست؛ آزادی، برترین ساز و کار فعال کردن همه توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسانی است. به گفته امام موسی صدر، «آزادی حقیقی، دقیقاً رهایی از عوامل فشار خارجی و

عوامل فشار داخلی است و به تعبیر امام علی (ع): «من ترک الشهوات، کان حراً»؛ یعنی آزاده کسی است که شهوات را ترک کند... آزادی والاترین شیوه برای شکوفایی و قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و استعدادها می‌باشد. آزادی و استعدادهای جامعه است...». شادی، نشاط و تفریحات سالم هم، موجب فعالیت بیشتر و بهتر انسان می‌شود؛ چون در حالت انبساط و شادی و نشاط کار انسان بهتر پیش می‌رود؛ چه کار بدنی، چه کار روحی و چه کار فکری. اگر فرح و انبساطی باشد که طبعاً از حصول نعمتی و مطلوبی حاصل می‌شود، موجب این می‌شود که انسان به فعالیت بیشتری بپردازد؛ بدیهی است که منظور از نشاط، عیش و طرب‌های تهوع‌آور نیست. آفرینندگی که از صفات ذات باری است و در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است، در هنر به معنای عام آن تجلی می‌یابد. هر تولید هنری که تجلی روح آفرینندگی انسان است، نمی‌تواند از زیبایی بی‌بهره باشد. خلق یک تابلوی زیبا، ایجاد یک کالای نفیس و دلاویز، تصنیف یک سمفونی یا شکوه یا یک سروده دل‌انگیز و نیز بنیاد یک بنای مسحورکننده و یک اثرهوش ربا و نظایر آن، تماماً جلوه‌هایی از روح زیبایی‌خلاقیت انسان است.

۲- نیازهای اقتصادی و اجتماعی

نسل سوم، به برقراری عدالت، استقلال و آبادانی کشور می‌اندیشد و براساس تحقیقات، ازدواج، اشتغال، تامین مسکن، ادامه تحصیل، رسیدن به مدارج بالای

نسل‌های انقلاب اسلامی

نسل اول: کسانی هستند که در سال ۱۳۴۲ جوان بودند و بخشی از عمر خود را در مبارزه با استبداد رژیم پهلوی سابق گذراندند و به همراه امام (ره) موجب به وجود آمدن انقلاب اسلامی شدند و جمهوری اسلامی را تشکیل دادند. این نسل را به عقیده بسیاری فداکارترین مجموعه وفادار به آرمان‌های انقلاب نام نهاد که در دشوارترین روزهای انقلاب، مدیریت جامعه را به عهده گرفت و به‌رغم چالش‌ها و توطئه‌های گوناگون، موفق شد که انقلاب را از مسیر انحراف نجات دهد. نسل دوم: پرورده نسل اول است، کسانی هستند که موتور حرکت انقلاب اسلامی بودند و جنگ تحمیلی را اداره کردند و با کمترین امکانات، توانستند بر صدام پیروز شوند و حماسه‌های جاودانه‌ای از خود به یادگار بگذارند و در واقع نسل انقلاب و جنگ نام دارند. این افراد کسانی هستند که تجربه پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ را دارند و با تجربه جنگ وارد

میدان سازندگی شدند و در ارائه طرح‌های کلان عمرانی که کشور عهده‌گرفتند و در حال حاضر، بیشتر مسئولان و مدیران جامعه نسل سوم؛ فرزندان نسل دوم هستند و تجربه پیش از انقلاب درصد جمعیت جامعه، زیر ۳۰ سال و ۳۵ درصد آن‌ها در گروه سن ۲۵ تا ۳۰ میلیون جوان داریم که به عنوان یک سرمایه بسیار عظیم کشور نیز در اختیار همین جوانان نسل سوم انقلاب است. نسل چهارم؛ فرزندان نسل سوم هستند. این نسل‌ها هستند که در حال حاضر کودک هستند و تقریباً ده سال دیگر، در عرصه



نزدیک ترین قشر از نسل سوم به انقلاب اسلامی کسانی هستند که هنجارهای عالی انقلاب را که مبتنی بر اندیشه‌ها و ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی است پذیرفته‌اند و خواهان دگرگونی هنجارهای نهادمند جامعه و هماهنگ‌سازی آن‌ها با هنجارهای عالی انقلاب می‌باشند. گروه مرجع این قشر معمولاً شهدا و مردان بزرگ تاریخ ایران‌اند که تقوا و معرفت و مبارزه با ظلم و استکبار را باهم جمع کرده و نام نیک از خود بر جای گذاشته‌اند. این قشر که مثل سایر قشرها متأثر از خانواده‌های خود هستند.

کسی‌ها به زبان دانشجویی

ویژگی‌های نسل سوم

۱. به لحاظ شخصیتی، هویتی شکل یافته‌تر و مستقل‌تر دارند.
۲. در توجه به مظاهر دینی، گزینش‌گرند و مظاهر اساسی را ترجیح می‌دهند و بیش از آنکه به مظاهر دینی تکیه کنند به جوهر و گوهر دین تکیه دارند.
۳. بیشتر ترجیح می‌دهند، آن‌گونه که هستند، دیده شوند و کمتر به پنهان‌کاری در رفتارها تمایل دارند.
۴. با خوش‌بینی، به تعامل با جهان و فرهنگ‌های مختلف می‌اندیشند.
۵. بیشتر واقع‌گراست و طرح و برنامه‌های فردی و اجتماعی را بیشتر از نسل گذشته، با ملاک قابلیت در دسترس، عملی بودن، راه‌گشا بودن می‌سنجد.
۶. از سیاست زدگی گریزان است؛ بی‌آنکه به احزاب و افراد سیاسی وابستگی جناحی داشته باشد، خودجوش در جهت تداوم انقلاب اسلامی گام برمی‌دارد و بی‌درگیری در مجادلات سیاسی، به رشد و توسعه خدمت‌گزاری مردم همت می‌گمارد.
۷. تمایل زیبایی‌شناختی و هنری این نسل، در مقایسه با نسل گذشته بیشتر است.
۸. صمیمی‌تر و راحت‌تر با دیگران مراوده و معاشرت می‌کند.
۹. ویژگی‌های این نسل، پویایی و روحیه انتقادگری است که در مقابل انحرافات احتمالی و کجروی‌ها به سرعت از خود واکنش نشان می‌دهد و بدون توسل به خشونت، خطاها را اصلاح می‌کند.
۱۰. مدار حرکت این نسل بر شناخت، تجزیه و تحلیل حوادث سیاسی جهان، موضع‌گیری صحیح و مقابله سریع با تهدیدات بیگانگان استوار است. شرایط جهانی، انفجار اطلاعاتی و گردش سریع اطلاعات، پویایی و قدرت تحلیل بالایی به این نسل بخشیده است.
۱۱. میزان تبعیت و تأثیرپذیری نسل سوم از دیگران بسیار بالاست؛ در نتیجه نسل سوم به الگوی مناسب نیاز دارد.

“ انقلاب اسلامی در حالی وارد حیات خود می‌گردد که همچنان نسل اول انقلاب با تمام مصادر و مناصب اجرایی و مدیریتی خود حفظ کرده و همین مسئله حیات جمهوری ۹۰ با چالش روبرو کرده است، این یکی از ضعف‌ها به دلیل عدم کادرسازی و جانشین‌پروری به چالش انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی با ابعاد بازی و تربیت نیروی انسانی و مدیران متخصص و که جزء به کارگیری نیروهای نسل سوم و چهارم و شماییک تعریفی از این نسل آمده است.

و نیز توضیح فرهنگ و منافع و رفتار، به اندازه «طبقه» فاصله میان تولد والدین و تولد فرزندان است که سه نسل در صد سال یا یک قرن.

نسل‌های اولیه برای تشکیل یک زندگی معقول و آبرومند، از نسل‌های این نسل است.

سیاسی و خواستار مشارکت و ایفای نقش بیشتر در جامعه برکت استقلال و آزادی پدید آمده از انقلاب اسلامی، نه تنها دانشگاه‌ها حضور فعال و مؤثر دارد، بلکه در عرصه‌های جامعه، انتخابات متعدد خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، شوراهای... حضور تعیین کننده دارند. این نسل که در یک پس از پیروزی انقلاب رشد کرده، حضور در عرصه‌های خالت در تعیین سرنوشت کشور را حق خود می‌داند و با توجه رشد یافته خود، با استفاده از آزادی و اختیاری که از مواهب ش‌ترین نقش را در بسیاری تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر آرای اکنون ۶۵ تا ۷۰ درصد از جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهد و

نظام را به وجود خواهد آورد، و به دلیل تحلیل و آگاهی به تحولات سیاسی، امید و نسل پیشین، کشور را در جهت تحقق کند.



پس از جنگ به آن نیاز داشت، ساختار مدیریتی نظام را به زاین نسل هستند.

انقلاب و جنگ را ندارند. وضعیت کلی نشان می‌دهد که ۷۰٪ جوانان قرار دارند؛ اگر سن جوان را بین ۱۵ تا ۲۸ سال تعریف می‌کنیم، بخش مهمی از جامعه کنونی را شکل داده، ۲۰ سال آینده

که در واقع در آینده به نسل تبدیل خواهند شد. جامعه ظاهر خواهند شد.

قشر بندی هنجاری نسل سوم

پژوهش‌های مفصل میدانی و مصاحبه با گروه‌های مختلف جوانان نشان می‌دهند که می‌توان آن‌ها را در یک قشر بندی چهارگانه از لحاظ فاصله با انقلاب اسلامی گنجاند:

۱. نزدیک‌ترین قشر از نسل سوم به انقلاب اسلامی کسانی هستند که هنجارهای عالی انقلاب را که مبتنی بر اندیشه‌ها و ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی است پذیرفته‌اند و خواهان دگرگونی هنجارهای نهادمند جامعه و هماهنگ‌سازی آن‌ها با هنجارهای عالی انقلاب می‌باشند. گروه مرجع این قشر معمولاً شهدا و مردان بزرگ تاریخ ایران‌اند که تقوا و معرفت و مبارزه با ظلم و استکبار را باهم جمع کرده و نام نیک از خود بر جای گذاشته‌اند. این قشر که مثل سایر قشرها متأثر از خانواده‌های خود هستند، معمولاً از جوانان بسیجی یا جوانانی که با گونه‌های مختلف در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مشارکت می‌کنند، تشکیل شده و به‌طور کلی به تحصیل و ورزش و حضور در مراسم مذهبی علاقه‌مندند. توجه به آینده جامعه یکی از ویژگی‌های عمومی آن‌هاست.
۲. قشر دیگر هنجار پذیران دوگانه‌اند؛ یعنی کسانی که هم هنجارهای عالی را پذیرفته‌اند و هم هنجارهای نهادمند را، اما برای تحول آن‌ها احساس ضرورت نمی‌کنند و هر جاکه تضادی در میان آن‌ها باشد با ملاحظه منافع شخصی از آن می‌گذرند. این گروه بیشتر به فکر آینده خود هستند و به حسب شرایط اموری را دنبال می‌کنند که فکر می‌کنند به نفعشان است؛ درس یا کار تفاوتی نمی‌کند، ممکن است ترک تحصیل کرده و دنبال یک کار خوب اقتصادی بروند و یا هم‌زمان با کار به تحصیل ادامه دهند. گروه مرجع اینان معمولاً مسئولان هستند. وقتی تضادهای زندگی‌شان را کوشند می‌کنید، به تضادهایی که در جامعه وجود دارند اشاره می‌کنند که در عین حال مسئولان و مدیران جامعه که خود را مقید به هنجارهای عالی می‌دانند از آن‌ها می‌گذرند. هنجار پذیران دوگانه به هنجارهای نهادمند ملتزم هستند و معیار سنجش رفتار خود را در مسئولان یافته‌اند.
۳. گروه سوم هنجار پذیران غرب‌گرا هستند که اساساً هنجارهای عالی انقلاب را نپذیرفته‌اند و هنجارهای نهادمند را به گونه‌ای غربی تفسیر می‌کنند و مایل به هماهنگی هرچه بیشتر با غرب هستند. گروه مرجع این‌ها روشن‌فکران غرب‌گرا هستند. آنان معمولاً در خانواده‌های مرفه و فرنگ دیده زندگی می‌کنند. این گروه با اینکه اذعان می‌کنند آینده جامعه برایشان اهمیت دارد، اما چندین احساس همبستگی با جامعه نمی‌کنند و بیشتر به فکر پیشرفت انسان در فناوری و فضای تمدن غربی هستند و اگر جامعه ایران خود را با آن منطقه نسازد خود را بیشتر عضوی از جامعه غربی می‌دانند تا جامعه ایران.
۴. چهارمین گروه، هنجار گریزان هستند که نه هنجارهای عالی را می‌پذیرند و نه هنجارهای نهادمند را و به نوعی بی‌قیدی و بی‌دولتی اقبال می‌ورزند. گروه مرجع آن‌ها گروه‌های مبتدل جوانان غربی است و بیشتر به حال می‌اندیشند تا به آینده. به درس و کار رغبتی ندارند و از زندگی چیزی نمی‌خواهند به شرط اینکه خوشی از ساعتشان فراهم باشد. در غیر این صورت، با زمین و زمان دشمن‌اند. در این گروه انحرافات اجتماعی و اخلاقی زیاد به چشم می‌خورد.



به اعتقاد «داوود فیرحی» شش عامل اصلی در فاصله نسلی دو ایران مؤثرند که عبارتند از: ۱. عدم ارتباط معنایی بین فضای معنایی دین؛ ۲. دگرذیسی در آرمان‌ها و اهداف؛ ۳. تعویض سریع مفاهیم در یک جامعه؛ ۴. الگویابی والگویی؛ ۵. دگرذیسی در ظاهر و پوشش؛ ۶. افزایش انتظارات. از جمله افرادی که به بحث ویژگی فرهنگ سیاسی در ایران می‌پردازد، «علی‌اصغر کاظمی» است. وی مؤلفه‌هایی مانند: بی‌اعتمادی، سنت تقلید، تضاد میان ساختار سنتی و مدرن و فرهنگ سیاسی توسعه نیافته را عامل تفاوت نسل‌ها می‌داند.



برشی از یک پژوهش دانشگاهی شکاف‌نسل‌ها از انقلاب اسلامی تاکنون

کامل‌ترین تعریفی که می‌توان از آن به‌عنوان یک اساس استفاده کرد این است که «یک نسل به افرادی که در یک دوره تاریخی یکسان زندگی می‌کنند و از تجربیات جوانی مشابهی در سال‌های شکل‌گیری‌شان آگاهی دارند اطلاق می‌گردد». البته افرادی هستند که در تقسیم‌بندی نسلی، تفاوت سی‌سال را مدنظر گرفته‌اند. بعضی‌ها بیست‌وپنج سال را زمان مناسبی برای تقسیم‌بندی می‌دانند و بعضی‌ها هم مقاطع سیاسی مختلف را معیار تقسیم‌بندی نسل‌ها می‌دانند. اما نویسنده براساس دوره‌های مختلف تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه تأثیرگذاری هر نسل در جامعه کنونی ایران که هر یک دارای خواست‌ها و مطالبات نسبتاً مشترکی هستند به تقسیم‌بندی نسل‌ها می‌پردازد.

شکاف نسلی از دیدگاه اندیشمندان غیرایرانی

شکاف نسل‌ها از لحاظ تئوریک در جوامع دیگر به‌ویژه جوامع غربی، از دیدگاه اجتماعی و ساخت سیاسی و از دیدگاه روان‌شناسانه و تربیتی مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این اندیشمندان «نیل سلمرز» است که نتیجه شکاف بین والدین و جوانان را «سرگشتگی در پذیرش نقش‌های جدید اجتماعی» و «تزلزل نسل جوان» می‌داند. او جوانان و نسل جدید را نسلی سبک‌سر، معترض، منتقد و خواهان تغییرات اساسی می‌داند. البته او علت این امر را گسترش جوامع شهری و صنعتی می‌داند. «هربرت مولر» اولین کسی است که به‌صورت علمی به تأثیر جوانان بر ثبات سیاسی یک کشور پرداخته است. او اولین بار اصطلاح «تورم جوانی» را مطرح کرد.

به اعتقاد او، ممکن است حجم عظیمی از جوانان در جمعیت یک کشور به‌طور فزاینده‌ای باعث نوآوری و رشد اجتماعی شوند و این امر منجر به واکنش خارج از رفتار شده و این نسل خواهان از بین رفتن سازمان‌ها و نخبگان قدیم شوند. وی معتقد است که تورم جوانی باعث توقع زیاد از توانایی‌های رهبری یک کشور، محیط طبیعی و زیربنای اجتماعی می‌شود و این مسئله احتمالاً موجب بی‌ثباتی سیاسی و افزایش ریسک و برخوردهای خشن خواهد شد. از دیگر افرادی که به‌مقوله تورم جوانی پرداخته «هنریک اوردال» است. نتایج تحقیقات او در سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که افزایش فوق‌العاده تورم جوانی در یک کشور باعث افزایش ریسک منازعه مسلحانه می‌شود. از نظر او، افزایش یک‌درصدی تورم جوانی برابر با افزایش احتمالی حدود پنج‌درصدی منازعات است. به اعتقاد وی، کشورهایی که تورم

جوانی را تا حدود سی‌وپنج درصد تجربه می‌کنند با افزایش حرکت‌های مسلحانه حدوداً سه‌برابری نسبت به کشورهای دیگر دارند. علاوه بر اوردال، «گراهام فولر» نیز به افزایش شدید جمعیت جوان و ارتباط آن با بی‌ثباتی و افزایش خشونت اشاره می‌کند.

«ایزنشتات» نیز عامل شکاف نسلی را تحولات سریع در جوامع پیچیده می‌داند. وی تناقض‌ها و تضادهای موجود بین نهادها، آداب و رسوم و عناصر زندگی را همانند تناقض‌ها و تضادهای نسل‌های انسانی می‌داند. وی فاصله نسل‌ها را فاصله فکری، سلیقه‌ای، ارزشی و رفتاری بین نسل‌ها می‌داند و نتیجه آن را به‌مخاطره افتادن یکپارچگی و وفاق اجتماعی می‌داند. افرادی مثل «مارگارت مید» و افرادی که نظرات آنان مطرح شد دیدگاهی بدبینانه و منفی نسبت به شکاف و فاصله نسل‌ها دارند.

گروه دوم، افرادی هستند که مانند «ریس»، «لوبل»، «لیپست»، «آدلان» به شکاف نسلی معتقدند، ولی به‌نظر آنها این شکاف اساساً ارتباطی با قبول ارزش‌های مختلف ندارد. گروه سوم، این فاصله نسلی را امری عادی می‌دانند و تفاوت و نوع گرایش‌های ارزشی هر نسل را مبتنی بر تفاوت در نیازهای مادی و فکری دو نسل می‌دانند. «بنگستون»، «پنگلپهارت»، «مزلو» از جمله این افراد هستند.

از مهم‌ترین اندیشمندان که به این مقوله پرداخته، «امیل دورکیم» است. وی در نظریه همبستگی اجتماعی عمده‌ترین عامل ایجاد اختلال اجتماعی را «انومی اجتماعی» می‌داند.

وی معتقد است که از بین رفتن همبستگی اجتماعی، در جوامع در حال گذار اتفاق می‌افتد. وی جوامع در حال گذار را این‌طور تعریف می‌کند: «جوامعی که شرایط فروریایی همبستگی سنتی هنوز فراهم نشده است و همبستگی جدید نیز هنوز شکل ساختاری به‌خود نگرفته است». وی عامل همبستگی اجتماعی را همان هویت مشترک می‌داند. براساس نظریه او وقتی نیازهای انسان‌ها به‌طور ناگهانی گسترش یابد و انسان‌ها ناگهان با شرایط جدیدی از نیاز روبرو شوند، آشفتگی اجتماعی رخ می‌دهد.

نظرات اندیشمندان ایرانی

از جمله محققینی که به‌مقوله فاصله نسل‌ها پرداخته‌اند «فهیمة حسین‌زاده» است. او مهم‌ترین عامل تقابل در جامعه ایرانی را وجود تضادهای ساختاری در طبقه متوسط و تقابل بین ساختار

سنتی و مدرن می‌داند. ایشان ترکیب بین الگوهای غربی و سنتی را عامل ایجاد تضاد اجتماعی می‌داند. وی معتقد است فرآیند تغییرات سریع زندگی در ایران مدرن، باعث شده است تا فرد برای انطباق خود با تحولات جدید به‌بازاندیشی در هویت خود دست بزند. وی این تغییرات را باعث ایجاد جنبش اجتماعی می‌داند.

فرد دیگری که به این مهم می‌پردازد «نریمان یوسفی» است. ایشان دیدی روان‌شناسانه به‌پدیده فاصله نسل‌ها دارد و عامل این فاصله را رفتار مستبدانه والدین می‌داند. از نظر او صداقت در گفتار و رفتار، عامل اصلی کاهش این تشدید فاصله است. از نظر «هادی خانیکی» فاصله و شکاف بین تقاضاها و امکانات در جامعه ایران باعث ایجاد شکاف نسلی می‌شود. ایشان ضمن اشاره به افزایش جمعیت ایران در دهه ۱۹۹۰ به‌عدم همخوانی امکانات با نیازهای روبه‌رشد جوانان ایران اشاره و آن را عامل جنبش اجتماعی می‌داند.

به اعتقاد «داوود فیرحی» شش عامل اصلی در فاصله نسلی دو ایران مؤثرند که عبارتند از: ۱. عدم ارتباط معنایی بین فضای معنایی دین؛ ۲. دگرذیسی در آرمان‌ها و اهداف؛ ۳. تعویض سریع مفاهیم در یک جامعه؛ ۴. الگویابی والگویی؛ ۵. دگرذیسی در ظاهر و پوشش؛ ۶. افزایش انتظارات. از جمله افرادی که به بحث ویژگی فرهنگ سیاسی در ایران می‌پردازد، «علی‌اصغر کاظمی» است. وی مؤلفه‌هایی مانند: بی‌اعتمادی، سنت تقلید، تضاد میان ساختار سنتی و مدرن و فرهنگ سیاسی توسعه نیافته را عامل تفاوت نسل‌ها می‌داند. او این عوامل را به‌عنوان عوامل بحران‌زای جامعه ایران می‌داند: ۱. سنت خودکامگی و استبداد در ساختار فرهنگی جامعه؛ ۲. سنت خشونت، توطئه و تزویر؛ ۳. سنت تکروی و فردگرایی؛ ۴. سنت کج‌اندیشی؛ ۵. سنت بی‌اعتمادی، قانون‌گرایی و ریاکاری.

ویژگی‌های نسل سوم (جوانان) در جامعه ایران

نسل گذشته پایبند آداب و رسوم و باورهای مذهبی و ملی خود بوده و به‌راحتی تغییر در آن‌ها نمی‌پذیرد و گاهی به‌شدت با هر نوع تحول مقابله می‌کند. در مقابل، نسل جوان دارای ارزش‌های نه‌چندان پایدار هستند؛ عده‌ای از نوجوانان به‌بهبانه کهنه و متحجر بودن ارزش‌ها و رسوم بزرگ‌ترها و وجود گروه‌های همسال و احساس تعلق به آن گروه‌ها، الگوهای ارزشی‌ای را پذیرفته‌اند که گاهی نشأت گرفته از فرهنگ وارداتی و بی‌مایه غرب و تمایلات نوگرایانه و تنوع‌طلبانه است و با هنجارها و

ارزش‌های جامعه مخالفت می‌ورزد. (خسروشاهیان، ۱۳۷۹) جوانان به‌عکس بزرگسالان که هویت اجتماعی تثبیت‌شده‌ای دارند و در شرایط زندگی جاافتاده‌اند، در جستجوی هویت هستند و از خویش و جامعه پرسش می‌کنند تا از خود و جامعه خود تصور درستی پیدا کنند.

نسل جوان با توجه به روحیه نوظهور و تنوع‌طلبی خویش، در جستجوی تجربه نوینی است. آنان فاقد محافظه‌کاری افراد میان‌سال و مجرب هستند و توان ریسک‌پذیری بالایی دارند؛ یعنی پیش از آنکه شجاع باشند، مقهور و بی‌باک هستند. آنان می‌خواهند استقلال رأی داشته باشند و مانعی در برابر خویش نبینند لذا مشورت با دیگران را نوعی مانع تلقی می‌کنند. همین خصلت‌ها، نیروی خطرپذیر، رادیکال و شورش جوان را موجب می‌شود.

به‌طور کلی می‌توان ویژگی‌های نسل قدیم را این‌گونه مطرح کرد: ۱. ساده زیست؛ ۲. دارای فرهنگ دولتی؛ ۳. خودباور؛ ۴. قانع؛ ۵. خواهان کسب امکانات رفاهی در دراز مدت؛ ۶. قوی در روابط عاطفی؛ ۷. بهره‌گیر از امکانات محدود؛ ۸. زندگی توأم با آرامش و امنیت.

ویژگی‌های کلی نسل جدید عبارتند از: ۱. گرایش بیشتر به‌سوی تجملات؛ ۲. خواهان اصلاح در حوزه فرهنگ؛ ۳. متمایل تر به‌نظرات دیگران، نسبت به‌نسل قبل؛ ۴. متوقع بودن؛ ۵. خواهان کسب امکانات رفاهی در کوتاه مدت؛ ۶. روابط عاطفی ضعیف‌تر؛ ۷. بهره‌گیر از امکانات وسیع‌تر؛ ۸. دارای اضطراب بیشتر در زندگی؛ ۹. دارای روحی پویا و انتقادگر. در مطالعات جامعه‌شناسی، یکی از حوزه‌های مهم و مطرح در تغییرات اجتماعی، تغییر در فرهنگ سیاسی یک جامعه است. فرهنگ سیاسی عبارتست از: مجموعه باورها، گرایش‌ها، بینش‌ها، معیارها و عقایدی که در طول زمان، شکل گرفته و تحت تأثیر وقایع، روندها و تجربیات تاریخی از نسلی به‌نسل دیگر منتقل می‌شود و در قالب آنها، نهادها، رفتارها، ساختارها و کنش‌های سیاسی برای نیل به‌هدف‌های جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین فرهنگ سیاسی یک جامعه متأثر از فرهنگ عمومی است. به‌طور کلی می‌توان گفت سه‌تحول اساسی دنیای مدرن، فاصله نسل‌ها را در ایران عمیق کرده است که عبارتند از: ۱. انقلاب اطلاعات؛ ۲. انقلاب ژنتیک؛ ۳. انقلاب الکترونیک.

نویسنده‌گان
عنایت‌الله یزدانی / دانشیار دانشگاه اصفهان
علی قادری / مدرس انقلاب اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان



سوال این است که تفاوت کسانی که دهه ۵۰ و ۶۰ را درک کردند با شما در چیست؟ آن‌ها ویژگی‌شان این بود که در شرایطی نظام جمهوری اسلامی را تحویل و پیروزی انقلاب اسلامی را جشن گرفتند که قبل آن را تجربه کرده بودند و این موضوع را رهبری سال گذشته در دیدار با اساتید نیز مطرح و عنوان کردند کمبودی که نسل جوان ما نسبت به نسل‌های قبلی دارند این است که درک مستقیمی از واقعیت جامعه قبل از انقلاب اسلامی ندارد و به همین دلیل هم هست که ارزش بسیاری از دستاوردهای انقلاب اسلامی را نمی‌داند.

سخنرانی وحید جلیلی پیرامون یک چالش اجتماعی در ایران:

نسل سوم و فقدان «تصویر هوایی»

مدرس در ایران ظهور نکرده یعنی ما در دوره معاصر آدمی به عظمت مدرس داشتیم و بعد فردی که نگهبان در سفارت هلند بوده است، پادشاه شد و چنین رفتاری را بر سر شهید مدرس در آورد. ما اتفاقات و پدیده‌ها و واقعیت‌های تلخ تاریخی - چه تاریخ دور و چه نزدیک - داریم که به مردم منتقل نشده است و تاریخ انقلاب اسلامی که مفصل است.

شب امتحانی نشویم

ما اگر نگاه تاریخی نداشته باشیم از پیچ تاریخی نمی‌توانیم عبور کنیم و اگر بخواهیم این پیچ را به زبان دانشجویی ترجمه کنیم، می‌شود شب امتحان؛ به‌طور مثال شما شب امتحان برایتان اتفاقی رخ دهد که حافظه‌تان را از دست دهد، حال اگر فردا هم حافظه‌تان را به دست آورید و پروفسور هم باشید زمانی که آژایمر بگیرید، با یک کودک چهار ساله تفاوت چندانی ندارید و ملت ما چنین ملتی است و ما در بین ملت‌های جهان ملت عجیبی هستیم و اگر همین ۴۰ تا ۵۰ سال اخیر را ملاحظه کنید، تاریخ بسیار غنی‌ای داریم و هیچ‌مقطع از تاریخ‌مان با این مقطع برابری نمی‌کند؛ در کدام مقطع شما این همه قهرمان دارید و این همه ماجرا را از سر گذرانده‌اید و تجربه عظیم را زیستید و به دست آورید حال شب امتحان باید از آن استفاده کنیم دیگر؛ چراکه امتحان می‌دهیم تا به مرحله بالاتری برویم و ما الان در همان مرحله قرار داریم و اگر آن‌را از دست بدهیم و حافظه تاریخی‌مان ضعیف شود نه تنها رشد نمی‌کنیم بلکه برمی‌گردیم و دچار انحطاط می‌شویم و تلاش کنید تا حافظه تاریخی خود و ملت را زنده نگه دارید.

نسل امروز

اصلا تفاوت انسان با گربه چیست؟ شما به یک گربه بگویید که به آن‌ها در دوره تیموریان چه گذشته است؟ تنها شما را نگاه می‌کند، حال بگویید در دوره پهلوی چه گذشته؟ باز هم شما را نگاه می‌کند و خیلی باعث تأسف است که به من و شما هم بگویند اول انقلاب چه اتفاقاتی افتاده است و کاپیتولاسیون و... چه بود و ما نیز صرفاً نگاه کنیم و به ذکر برسیم و بخش مهم ذکر که مفهوم ملکوتی و قرآنی نیز است، تاریخ است که باید شخصیت‌ها، اتفاقات و حوادث تاریخی را به یاد داشته باشید و نقاط مهم تاریخی خود را بشناسید و باید این اتفاق رخ دهد.

فضای پر تقالی دانشگاه‌های انگلیس

دومین نگاه، نگاه جهانی است و یکی از نیازهای ویژه امروز ما همین مساله است که یک عکس هوایی از تاریخ‌مان ارائه دهیم که امروز در کجا قرار داریم و ۵۰ سال گذشته در کجا بودیم، در حالی که ما یک روز با آمریکایی‌ها بر سر حداقل‌ها درگیر بودیم و آن‌ها از ما حق توحش می‌گرفتند و الان باید ترامپ زوزه بکشد؛ چراکه آن‌ها یک زمانی ما را آدم هم حساب نمی‌کردند و در حداقل‌ها با ما چالش داشتند، الان کارمان به جایی رسیده که در قله‌ها با آمریکایی‌ها درگیر هستیم و مشخص است که صدای آن‌ها بلند می‌شود.

نسل امروز
باید درک تاریخی داشته باشیم
بنابراین وقتی درکی از گذشته تاریخ‌تان نداشته باشید، آن زمان انقلاب اسلامی چندان زیر دهان‌تان مژه نمی‌کند. مفهوم آزادی، جمهوریت، دموکراسی و... چند هزار سال بر این ملت گذشته ولی مردم کوچک‌ترین نقشی در تبادل قدرت نداشته‌اند، این موضوع را از پدران خود پرسید که قبل از انقلاب اسلامی هم که مجلس وجود داشته، آیا در انتخاب شرکت کرده‌اید؟ آن‌ها می‌گویند که انتخابات وجود داشته ولی همه می‌دانستند که این کار خیمه‌شب‌بازی است و همه از قبل می‌دانستند که قرار است چه کسی مثلاً از بیرجند نماینده شود؛ یکی از دوستان می‌گفت نمی‌گویم تفاوت بین روحانی و جلیلی، بلکه تفاوت بین روحانی و ولایتی خیلی بیشتر از الگور و بوش بود و ۲۰۰ سال است که مردم آمریکا اجازه دارند از بین اربابان دموکراتیک‌خواه و جمهوری‌خواه یکی از آن‌ها را انتخاب کنند و هیچ‌کس دیگری در خارج از این دو طیف را مردم آمریکا نمی‌توانند انتخاب کنند. آن وقت مردم می‌گویند عجب آزادی‌ای در آمریکا وجود دارد، در جمهوری اسلامی ایران نیز در هر انتخابات مردم حماسه‌ای خلق می‌کنند.

اگر ما می‌خواهیم پیچ تاریخی را بفهمیم باید درک تاریخی داشته باشیم و به مخاطب خودتان این درک را بدهید و بگویید که از چه جامعه‌ای آمده‌اند و الان کار به جایی رسیده است که می‌گویند رضاخان روح شاه و این فاجعه است؛ چراکه من سه و چهار سال است که درباره مقطع رضاخان به‌طور تخصصی کار می‌کنم و صریح و بدون تعصب می‌توانم بگویم که آدمکش‌تر از این فرد و وقیح‌تر از آن نداریم. کسی که اصلا خوی انسانی نداشت؛ خاطراتان شهید مدرس را مطالعه کنید که بعد از ۶۰، ۷۰ سال دست‌نوشته‌های این شهید را پیدا کردند و انتشارات مجلس شورای اسلامی نیز آن را تحت عنوان گنجینه خواف منتشر کرده، بخوانید که در آن آمده یک سال است به من اجازه ندادند موهایم را کوتاه کنم و بعد به شوخی می‌گوید که اشکالی ندارد و الان شبیه به جدم رسول‌الله شده‌ام و زمانی که رئیس شهرستان خواف به سلول شهید مدرس می‌رود، می‌گوید شما طبق دستور اعلی حضرت عمل نکرده‌اید؛ چراکه باید پرده‌های زندان را هم بکشید و نوری به شهید نرسد. مدرس فردی است که ملک‌الشعراى بهار می‌گوید بعد از حمله مغول آدمی به عظمت

نگاه را در مخاطب خودتان تقویت کنید، یک نگاه تاریخی و در این باره باید بگویم که مقام معظم رهبری طی سال‌های اخیر از عبارت پیچ تاریخی بسیار استفاده کرده‌اند که ما یک پیچ تاریخی قرار داریم.

تفاوت دهه شصتی‌ها

حال سوال این است که تفاوت کسانی که دهه ۵۰ و ۶۰ را درک کردند با شما در چیست؟ آن‌ها ویژگی‌شان این بود که در شرایطی نظام جمهوری اسلامی را تحویل و پیروزی انقلاب اسلامی را جشن گرفتند که قبلاً آن را تجربه کرده بودند و این موضوع را رهبری سال گذشته در دیدار با اساتید نیز مطرح و عنوان کردند کمبودی که نسل جوان ما نسبت به نسل‌های قبلی دارند این است که درک مستقیمی از واقعیت جامعه قبل از انقلاب اسلامی ندارد و به همین دلیل هم هست که ارزش بسیاری از دستاوردهای انقلاب اسلامی را نمی‌داند. به‌طور مثال درباره استقلال، شما که متولد دهه ۷۰ هستید از همان ابتدا حکومتی را دیدید که مقابل مستکبران دنیا سرافرازانه ایستاده و شما اصلا درکی از ذلت و سرسپردگی ندارید که حال بخواهد ارزش استقلال بر جان‌تان بنشیند، نسل اول انقلاب که تا جان پای انقلاب ایستادند برای این بود که دوره‌ای را تجربه کرده بودند که مرجع تقلیدشان به خاطر اینکه گفته بود بالای چشم آمریکا ایرو است، از کشور اخراج شده بود و شما سخنرانی ۱۳ آبان امام را گوش کنید دیگر که چطور امام فریاد می‌زند و می‌گوید آقای شاه اگر یک آشپز آمریکایی شما را بکشد، کسی در ایران حق ندارد به او تعرضی داشته باشد، واقعا کاپیتولاسیون همین بود و بعد از آن شبانه به در خانه امام رفتند و گفتند شما به آمریکا توهین کردید و دیگر جای‌تان در ایران نیست و شبانه امام را از کشور اخراج کردند؛ این باوجودی است که امام در حال دفاع از شاه بود. این نکته را هم بگویم که کاپیتولاسیون ماجرای جالبی است و خود آمریکا بر اساس همین طرح شکل گرفته و آمریکا تحت‌الحمایه انگلیس بود و چون در پارلمان انگلیس قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن کاپیتولاسیون اتباع انگلیس را برای آمریکا اجرائی کرد و آمریکایی‌ها قیام کردند و از انگلیس منفصل شدند و استقلال آمریکا در سال ۱۹۸۹ این‌گونه شکل گرفت و بعد خودشان این لایحه را برای ایران داشتند.

اهمیت حافظه تاریخی برای یک ملت می‌تواند در برهه‌های خاصی یک جامعه را از تنگناهای تاریخی عبور دهد، حافظه جمعی (Collective Memory) که گاه آن را حافظه تاریخی (Historical Memory) نیز خوانده می‌شود پهنه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که می‌تواند شامل رویدادهای تاریخی دیرپا یا گذرا باشد. خاطره فرهنگی (Cultural Memory) نیز جایگاه ویژه‌ای در پهنه حافظه تاریخی دارد، خاطره فرهنگی با آداب و سنن، میراث مکتوب و آفرینش‌های هنری و معماری شکل می‌گیرد و در نهایت خاطره فرهنگی به حافظه تاریخی یک ملت راه پیدا می‌کند. حافظه یک ملت بزرگ از خرده حافظه‌های مختلفی تشکیل شده که بعضاً به دلیل غفلت از اقوام و اقلیت‌های قومی و مذهبی، خرده حافظه‌های آن‌ها وارد جریان حافظه تاریخی ملی نمی‌شود. وحید جلیلی چندی پیش با حضور در جمع اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل به موضوع تقویت نگاه تاریخی اشاره کرده است:

روبه‌رو شدن با مخاطب در رسانه

شما در حوزه کار رسانه‌های اول باید حرفه‌ای شوید و عکس و رنگ و تیترو فونت و... را بدانید چه حسی دارند و نکته‌ای که باید بگویم این است که ما فکر می‌کنیم که با آدم ماشینی روبه‌رو هستیم که تنها مغز دارد و نه دل و می‌خواهیم با گزاره‌های استدلالی با مخاطب روبه‌رو شویم و بعد هم می‌گوئیم فلان مطلب قوی، غنی و مستدل را نوشتیم؛ ولی به‌طور مثال از آن استقبال نشد، در حالی که در حوزه رسانه، چون رسانه بین علم و هنر به شمار می‌رود و نه به خشکی علم و نه به احساساتی‌گری هنر است، از هر دو باید نشأت بگیرد و زمانی که در رسانه کار می‌کنید، وقتی در رسانه با مخاطب روبه‌رو می‌شوید، باید بتوانید هم‌زمان با ذهن و دل آن کار داشته باشید و صفحه اول نشریه شما جدا از اینکه باید بتواند حس او را نیز برانگیزد، حال این اتفاق گاهی در قطع نشریه شما و گاهی هم در جنس و رنگ کاغذ نشریه شما محقق می‌شود. سردبیر حرفه‌ای کسی است که می‌داند اگر با فلان کاغذ سراغ مخاطب برود، بهتر نتیجه می‌گیرد تا اینکه بخواهد خیلی رنگی و پرزرق و برق کار کند. ما یک بحث فنی داریم که از جنس کاغذ تا قطع نشریه و نوع لوگو و استفاده از عکس را شامل می‌شود؛ در سطح بالاتر نیز باید حرفی برای گفتن و یک نظام ارزشی داشته باشید که در مجموعه‌سازی به شکل غیرمستقیم به مخاطب شما منتقل شود.

مشکلی که امروزه در مواجهه با مخاطب در جامعه داریم که به نوعی این روزها سرگردان است و تحت بمباران انواع و اقسام رسانه‌ها قرار دارد؛ این است که اندازه‌ها در نظرش تغییر کرده است و فلان شبکه ماهواره‌ای، فلان سایت، روزنامه و... یکباره زوم و موضوعی را برای مخاطبان پررنگ می‌کنند و مشکلی که ما می‌مانیم باید در آن زمان چه کار کنیم، یک دلیلش این است که رسانه‌های انقلابی به اطراف خودشان روزمره نگاه می‌کنند و بنده اگر بخواهم به شما توصیه‌ای داشته باشم این است که دو





بازخوانی یک رویداد تاریخی و اهمیت مطالعه آن در گفتگویی با «جواد موگویی»

دچار انقطاع تاریخی برای نسل ۸۰ و ۹۰ هستیم



جواد موگویی یکی از نسل سومی‌هایی است که در حوزه تاریخی دارای حرف‌های تازه‌ای برای هم سن و سال‌های خود است، او در گفتگویی ضمن ارائه مستندات از واقعه تسخیر لانه جاسوسی در سال ۵۷ به اهمیت مطالعات تاریخی اشاره کرده است، او در ابتدا گفت: «هدف دانشجویان از تسخیر لانه جاسوسی در مقطع زمانی سال ۱۳۵۸ با دو محور صورت گرفته و شاید مهم‌ترین آن این باشد که شاه وارد خاک آمریکا شده بود و علی‌رغم اینکه ویلیام سالیوان، سفیر آمریکا در تهران هشدار داده بود که ورود شاه به این کشور می‌تواند مردم ایران را خشمگین کند، اما آمریکا توجهی نکرد و در خود آمریکا نیز در این باره اختلاف نظر وجود داشت و عده‌ای در این کشور می‌گفتند که نباید این کار صورت بگیرد و ممکن است با این کار رابطه‌مان با ایران قطع شود و در مقابل نیز عده‌ای می‌گفتند که نباید شاه به‌عنوان یک هم‌پیمان را تنها بگذاریم و تنها گذاشتن او می‌تواند اثر سوء برای آمریکا در منطقه داشته باشد و در هر صورت شاه را پذیرفتند و امام نیز اعلام کرد که شاه باید مجازات شود و به ایران تحویل داده شود.»

آمریکا از موضع بالاتر حاضر به تحویل شاه نبود

موگویی ادامه داد: «آمریکا از موضع بالاتر حاضر به تحویل شاه نبود و آن‌طور که از خاطرات دانشجویان بر می‌آید، قرار بود که در اعتراض به اینکه شاه را به‌عنوان یک جنایتکاری که در مقابل انقلابیون ایستادگی کرده برای محاکمه بگیرند و به همین دلیل گفتند که سفارت آمریکا در تهران را برای چند ساعت تسخیر کنند تا توجه بین‌المللی را به خود جلب کنند که بعد به علت حمایت امام این چند ساعت به ۴۴۴ روز تبدیل شد و دلیل دیگر نیز آن بود که احتمال دخالت سفارت آمریکا و سازمان سیا در حوادث انقلاب وجود داشت و کما اینکه بعداً وقتی خاطرات ژنرال هایزر چاپ شد، مشخص شد که هایزر برای آماده‌سازی کودتا در ایران وارد کشورمان شده بود و سابقه‌ای که از کودتای ۲۸ مرداد و دخالت آمریکا در کشورهای دیگر وجود داشت دانشجویان این احتمال را می‌دادند که آمریکا درصدد توطئه است و البته اخباری نیز در این زمینه وجود داشت که مربوط به شلوغی‌های خوزستان، کردستان، ترکمن و بعداً حتی اسنادی از ارتباط گروهک فرقان با آمریکا کشف شد و به دلایل اول و دوم که ذکر شد قرار بود یک حرکتی انجام شود که فقط طبق خاطرات دانشجویان پیرو خط امام (ره) قرار بود حرکت تبلیغاتی صورت بگیرد که چون امام (ره) از این مسئله حمایت می‌کند و همچنین به این دلیل که دانشجویان قبل از آن به حرکت خود اطمینان نداشتند بعد از حمایت امام تسخیر این لانه ۴۴۴ روز به طول انجامید.»

امام گفت اینجا سفارت‌تخانه نیست

موگویی با اشاره به این موضوع که «ولین موضع‌گیری امام خمینی پس از تسخیر بسیار مهم است» ادامه داد: «پشان می‌گوید اینجا سفارت‌تخانه نیست، بلکه جاسوس خانه است و این نکته بسیار مهمی است و باید به این سؤال تاریخی

جواب داده شود که آیا واقعاً آنجا سفارت‌تخانه بوده است یا خیر؟ که اگر سفارت‌تخانه بوده و در یک چارچوب دیپلماسی تعریف شده، فعالیت می‌کرد که این حرکت دانشجویان جمله به خاک یک کشور محسوب می‌شود اما بعداً اسنادی که کشف شد نشان داد آنجا جاسوس خانه بوده است، البته تنها اسناد نیستند بلکه دستگاه‌های شنود نیز در آنجا وجود داشت و این مهم برخلاف قواعد بین‌المللی است که یک کشور دستگاه‌های شنود داشته باشد و فعالیت‌های جاسوسی را دنبال کند، با این حال اسناد زیادی نیز نابود شد. آقای سولویان در خاطرات خود می‌گوید چند هفته قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به اینکه احتمال یکسری اتفاقات را می‌دادیم، اسناد اصلی و سری را به واشنگتن فرستادیم ولی یکسری اسناد که مربوط به اقدامات روزانه بود را در گاوصندوق‌هایی قرار دادیم که ظاهراً این اسناد به دست دانشجویان می‌افتد و البته زمانی که دانشجویان وارد سفارت می‌شوند، بسیاری از اسناد را در دستگاه‌های خردکن ریخته بودند و در حال نابودی آن‌ها بودند ولی ظاهراً کارمند مربوط به این کار به دلیل دستپاچگی بیش‌ازحد کاغذ اسناد را در دستگاه خردکن می‌ریزد که باعث از کار افتادن آن می‌شود و این مهم باعث می‌شود تا یکسری از اسناد به دست دانشجویان بیفتد که از جمله اسناد مهم می‌توان به اسناد مربوط به عباس امیرانتظام، معاون نخست‌وزیری اشاره کرد که منجر به دستگیری او شد، البته این فرد بعداً سفیر ایران در سوئد شد و زمانی که این اسناد به دست آمد همه آن‌ها رشته رشته شده بود و دانشجویان به سختی آن‌ها را کنار یکدیگر قرار دادند تا توانستند بخشی از اسناد را بازسازی کنند و این کار بسیار سختی بود چرا که هم به زبان دیگری بودند و هم اینکه اسناد جزو اسناد سری و محرمانه بود که رمزگشایی از آن بسیار سخت بود.» او گفت: «جزو اتهامات امیرانتظام فراری دادن کارمندان سفارت اسرائیل از تهران بود که این مسئله کاملاً در خاطرات آخرین وابسته موساد در تهران به نام شیطان بزرگ و شیطان کوچک آمده و این شخص می‌گوید که بعد از اینکه سفارت اسرائیل در روز ۲۲ بهمن تسخیر و به سفارت فلسطین تبدیل شد در خانه‌های امنی رقتیم و مدتی نیز در آن‌ها حضور داشتیم و بعد از طریق خاندان عالی‌خانگی توانستیم با امیرانتظام تماس بگیریم و از طرفی نیز سولویان می‌گوید سفیر اسرائیل در تهران با او تماس گرفته و عنوان می‌کند که در تهران گیر افتاده‌اند و اگر به دست انقلابیون بیفتند حتماً محاکمه خواهند شد و در هر صورت با کمک افرادی به اسم یوسف ماندگاری و محمدباقری عالی‌خانگی که بعدها در کودتای نوزده شاخه سیاسی آن را بر عهده داشتند و همچنین امیرانتظام از کشور خارج می‌شوند و یکی از اتهامات امیرانتظام فراری دادن ۲۲ تن از تکنسین‌های آمریکایی سایت کبکان و بهشهر است، سایت‌های شنودی که آمریکایی‌ها از سال ۱۳۵۰ برای شنود تحرکات شوروی تأسیس کرده بودند و این افراد یکی دو روز بعد از پیروزی انقلاب گروگان گرفته شده بودند و با مجوز امیرانتظام هواپیمایی این افراد را به مهرآباد منتقل می‌کند و از آنجا نیز از ایران خارج می‌شوند. از این دست

اتهامات در پرونده امیرانتظام وجود دارد که در نهایت نیز مجرم شمرده شد.» این محقق تاریخی در ادامه با اشاره به اینکه «یکی دیگر از اسنادی که از لانه جاسوسی به دست آمد مربوط به ابوالحسن بنی‌صدر بود» گفت: «ارتباط او با جاسوس سیا مربوط می‌شود، فردی به اسم راتر فورد که چند ماه قبل از پیروزی انقلابی خود را تحت عنوان یک تاجر آمریکایی به بنی‌صدر نزدیک می‌کند، در نوفل نداشت از او قول همکاری می‌گیرد و می‌گوید چون یک تاجر آمریکایی است با توجه به اتفاقات پیش رو از بنی‌صدر می‌خواهد که کمکش کند و بعد از پیروزی انقلاب که بنی‌صدر جزو شورای انقلاب می‌شود، این جاسوس وارد ایران می‌شود و دو سه بار با بنی‌صدر دیدار می‌کند و تمام تحلیل‌های شخصیتی که این فرد از بنی‌صدر داشته در اسناد لانه جاسوسی وجود داشته است و می‌گوید بنی‌صدری که الان می‌بینم با فردی که در نوفل نوشتاتو دیدار کرده، کاملاً متفاوت است و او پیش از انقلاب فرد ژولیده و انقلابی بوده اما الان کمی می‌نشیند و می‌خواهد ساعت طلایش را نشان دهد و از اینکه محافظ دارد خوشمند است و نقاط قوت و ضعف بنی‌صدر را از نگاه آمریکایی‌ها می‌گوید ولی چون همه اسناد به دست نیامد مشخص نیست که ارتباط بنی‌صدر با این شخص تا کجا ادامه پیدا کرده است. تامانول رئیس قرارگاه سیا در تهران و جزو گروگان‌های لانه جاسوسی بود که وقتی شیخ‌الاسلام از او اعتراف می‌گیرد، او می‌گوید ما پیشنهاد حقوق ماهیانه به بنی‌صدر دادیم و او نیز قبول کرده و قول همکاری داده است و زمانی که شیخ‌الاسلام می‌پرسد آیا بنی‌صدر متوجه شده که او را به استخدام در آوردید یا خیر؛ او می‌گوید قطعاً بنی‌صدر این قدر باهوش است که این حقوق نامتعارف را به حساب چیز دیگری نگذارد و یکی دیگر از اسنادی که در لانه به‌دست آمده و بسیار هم مهم است همکاری آیت‌الله شریعتمداری با سفارت آمریکا است بطوریکه سفارت از طریق ۶ کانال دنبال ارتباط‌گیری با آیت‌الله شریعتمداری بوده که افرادی چون خسرو قشقایی و یکی از افراد برجسته ساواک و ... بوده است که این ارتباط بعد از مدتی بالاخره برقرار می‌شود و رابط سفارت و آیت‌الله شریعتمداری نزد او می‌رود و شریعتمداری درخواست پول می‌کند و می‌گوید برای اینکه حزب خلق مسلمان را گسترش دهم

و بتوانم این حزب را در کشور و در انتخابات بعدی پیروز کنم، نیازمند پول هستم. او از مراجع وقت بوده که حزب خلق مسلمان را ایجاد کرده بود و بعد از انقلاب سر ناسازگاری با حزب جمهوری اسلامی و انقلابیون و شخص امام داشت و این نیز یکی از اسناد مهمی است که به دست می‌آید در یکی از اسناد آمده که رابط سفارت از آیت‌الله می‌خواهد فردی را معرفی کند که او نیز حسن، پسرش را معرفی می‌کند و در جایی نیز آمده که آیت‌الله از سفارت خواسته حتی پسرش نیز از برخی ارتباط‌ها مطلع نشود؛ با این حال ظاهراً امام برای احترامی که برای مرجعیت قائل می‌شود اجازه انتشار این اسناد را در ارتباط با آیت‌الله شریعتمداری ندادند و بعد از دوباره در کودتای نوزده نقش دارد و به‌نوعی کاملاً از وقوع این کودتا باخبر بوده و بازم امام اجازه بازجویی و دستگیری از آیت‌الله شریعتمداری را ندادند تا اینکه در سال ۱۳۶۱ از طراحی کودتایی که قطب‌زاده داشت، به اعتراف خود که آیت‌الله شریعتمداری کاملاً در جریان کودتا بوده و این بار او در بیت خودش مورد بازجویی قرار گرفت و بعد نیز در مصاحبه تلویزیونی گفت که از این کودتا مطلع بوده و ابزار پشتیبانی کرد.»

موگویی افزود: «مجموعه اسناد لانه جاسوسی همان سال‌ها در ۷۰ جلد چاپ شد و بعداً در اواخر دهه ۸۰ این ۷۰ جلد به ۱۱ جلد قطور تبدیل شده است که موضوع‌بندی شده ولی متأسفانه شرح این اسناد نوشته نشده است در حالی که این اسناد چون اسناد اطلاعاتی و جاسوسی است؛ غالباً مطالعه آن‌ها برای دانشجویان و افراد عادی بسیار سخت و دشوار است و باید شرح آن‌ها نوشته شود ولی در این ۴۰ سال هیچ‌کدام از نهادهای فرهنگی این کار را نکرده‌اند البته ما درباره بنی‌صدر، امیرانتظام و آیت‌الله شریعتمداری شرح اسناد را نوشته‌ایم ولی هنوز ۴۰ تا ۵۰ نفر دیگر از شخصیت‌های مهم تاریخ انقلاب که تحت عناوین مختلف اسم آن‌ها در اسناد لانه جاسوسی به‌عنوان کسانی که سفارت با آن‌ها ارتباط نامتعارف داشته، آمده که باید شرح اتفاقات آن‌ها نوشته شود؛ ولی الان اتفاقی که رخ داده ما نمی‌توانیم به نسل دهه ۷۰، ۸۰ و ۹۰ بگوییم آنجا اصلاً سفارت‌تخانه نبوده چرا که سفارت‌خانه‌ها باید در چارچوب قوانین بین‌المللی رفتار کنند، این مسئله باعث شده که یک انقطاع تاریخی رخ دهد و ما در پاسخ به اساسی‌ترین و آسان‌ترین سؤالات عاجز بمانیم.»